

## محدودیت های رهبری ناسیونالیستی در کردستان

تقسیم مصنوعی کردستان توسط امپریالیزم، دو اصل تعیین کننده و حائز اهمیت را در کنار یکدیگر قرار داده است. از یکسو، تا زمانی که توده های کُرد موفق به شکستن هر چهار رژیم سرمایه داری (ایران، عراق، سوریه و ترکیه)، در طی مبارزات ضد امپریالیستی خود نشوند، راه حل نهایی در راستای کسب حقوق ملی و تعیین سرنوشت، امکان پذیر نخواهد بود- یعنی برقراری ارتباط سیاسی و همبستگی تشکیلاتی نه تنها با متحدان کُرد در کشورهای مجاور، که ایجاد پیوند با طبقه کارگر عرب، فارس و ترک. و از طرف دیگر، به علت ادغام ناموزون بخش های مختلف کردستان در ساخت اقتصادی و سیاسی کشورهای سرمایه داری مزبور، آهنگ رشد مبارزات در هر قسمت می تواند متفاوت باشد. مبارزه می تواند با اوج خود در یک کشور علیرغم فروکش در کشور مجاور ادامه یابد. برای مثال تا چند هفته پیش مبارزات کُردهای عراق علیه رژیم صدام در زمانی رخ می داد که مقاومت کُردهای ترکیه و ایران تا حدودی فروکش کرده بودند. اما، تاثیرات خود را بر مبارزه کُردهای کل منطقه می گذارد.

در اینجا این سوال مطرح می شود که چرا تاکنون جنبش کُرد با استفاده از این ناموزونی ها به پیروزی دست نیافته است؟ علت شکست های گذشته مردم کُرد (و شکست اخیر)، نه ارتباط به عدم مبارزه پیگیر آنان داشته و نه ربطی به قدرت دولت های مرکزی. علت اصلی کلیه شکست های جنبش کُرد را باید در نقش رهبری ناسیونالیستی و خرده بورژوائی مردم کُرد جستجو کرد. رهبری بارزانی ها و حزب دمکرات کردستان عراق، که از نیروهای عمده کردستان بوده اند، در زمینه سیاسی و مسائل برنامه ای هرگز از چارچوب محدود ناسیونالیستی/ سرمایه داری فراتر نرفت. رهبری بارزانی ها هیچگونه کوششی در ترکیب مبارزه برای "خودمختاری" ملی با مبارزه برای حل مسائل اجتماعی توده ها نکرده است. حزب دموکرات هیچ کوششی

در ادغام مبارزات توده های کُرد در عراق با مبارزات توده های کُرد در ایران و ترکیه نکرد. این رهبری برعکس، همواره دست مدد به سوی امپریالیزم و رژیم های سرمایه داری کشورهای مجاور دراز کرده است. این رهبری هرگز درک نکرده و نمی تواند درک کند که رژیم های سرمایه داری و خود امپریالیزم سد اصلی راه "خودمختاری" برای مردم کردستان است. تاریخ مبارزات این رهبری نشان داده است که حل مسائل ملی در کردستان با حفظ یک برنامه بورژانی (یا دمکراتیک) عملی نیست. مرور تاریخچه این رهبری برای درک مسائل امروز کردستان عراق ضروری است\*.

"اتحادیه میهن پرستان کردستان" به رهبری جلال طالبانی نیز، علیرغم اتخاذ مواضع رادیکال و انقلابی (البته تا مقطع سال ۱۹۸۳ که سیاست های خود را تغییر نداده بود)، خود را در چارچوب یک برنامه "دمکراتیک" (یعنی برنامه ائتلاف طبقاتی با بورژوازی کُرد) محبوس کرده و تاکنون قادر به ارائه یک راه حل ریشه ای نشده است. در اوضاع اخیر هم نشان داد که ائتلاف با احزاب سرمایه داری را به مبارزه مستقل توده ها علیه امپریالیزم و سرمایه داری ترجیح می دهد.

---

\* - رجوع شود به مقاله مروری بر تاریخچه رهبری ناسیونالیستی کُرد.